



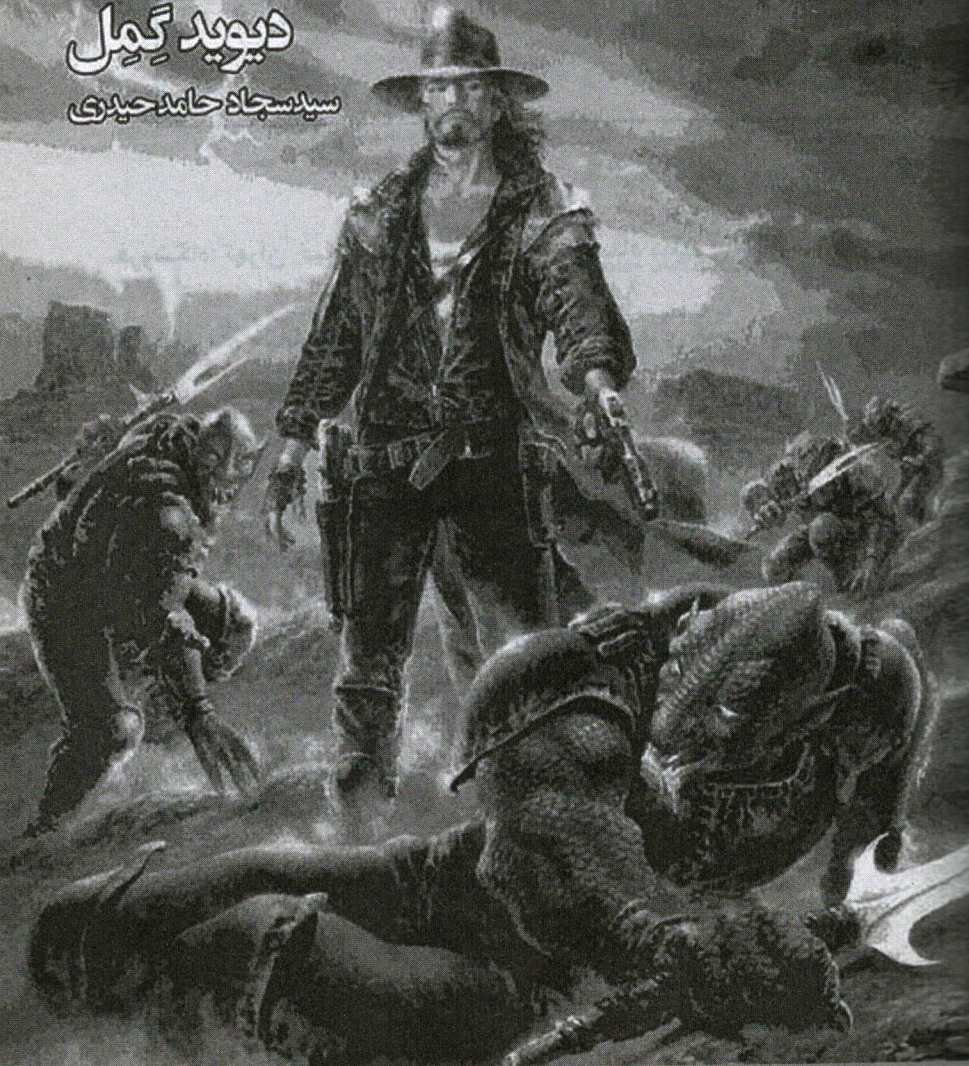
جان شاہو



آخرین محافظ

دیوید گیمل

سید سجاد حامد حیدری



فصل اول

اما او نمرد. گوشت اطراف جراحت ناشی از گلوله، یخ زده بود و دمای هوا به سی درجه زیر صفر می‌رسید، مناره‌های اورشلیم^۱ که در دوردست دیده می‌شدند، تار شدند و به قله‌های پوشیده از برف بدل گردیدند. ریشش یخ زده بود و روی کت سنگینش نیز تکه‌های یخ دیده می‌شد، کت بلندش در نور مهتاب می‌درخشید.

شانو^۲ بر روی زین تکان خورد و سعی کرد بر روی شهری تمرکز کند که این همه مدت به دنبالش بود. اما شهر رفته بود. اسبش سکندری خورد، دست راست شانو بالا آمد و قاش زین را چسبید، زخمی که در سمت راست کمرش بود از درد آتش گرفت.

سر اسب سیاه را چرخاند و حیوان را به سمت دره‌ی پایین دست هدایت کرد. تصاویری در ذهنش پدیدار شدند: کاریتاس^۳، روث^۴، دونا^۵؛ سفر خطرناکش در قلب سرزمین‌های طاعون‌زده^۶ و جنگ با جهنم‌زادها^۷، کشتی روح‌زده عظیم بر روی کوه. اسلحه‌ها و تیراندازی، جنگ و کشتار.

1. Jerusalem
2. Shannow
3. Karitas
4. Ruth
5. Donna
6. Plague Lands
7. Hellborn